

فرهنگ پوشش زنانه نزد بانوان
دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی
(چادر غیر ساده ملی، عربی، قجری...)

اصغر عسگری خانقاه*

اعظم بهادری نژاد**

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۵

چکیده

پوشش زنان در طول تاریخ دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است. در بین پوشش زنان، چادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحولاتی که در شکل و نحوه استفاده کردن از این پوشش پدید آمده، همواره مورد توجه منتقدان و پژوهشگران بوده است. این پوشش در بسیاری موارد معرف شخصیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دینی فرد بوده و از این رو وجود یا عدم آن مورد بحث مداوم پژوهشگران میادین علوم اجتماعی قرار گرفته است.

aaagari@chamran.ut.ac.ir

* استاد انسان‌شناسی دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.

در این نوشتار به بررسی و تحلیل دلایل تغییر شکل این پوشش، خصوصاً در دهه اخیر، پرداخته و تحول و تغییر آن را از چادر سنتی به اشکال و الگوهای جدید و طرح‌های امروزی مورد توجه قرار داده‌ایم.

پژوهش حاضر در یک محیط دانشگاهی (دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز) صورت گرفته و گروه مورد مطالعه آن از دانشجویان بین سنین ۲۰ تا ۳۵ سال انتخاب شده‌اند. با بهره‌گیری از روش کیفی و ژرفانگر (مردم‌شناسی) و با مشاهده مستقیم مشارکتی در زمینه تحقیق و با استفاده از منابع بیرونی (اسناد و مدارک کتابخانه‌ای) و ابزار تحقیق (دوربین عکاسی و فیلمبرداری و ضبط صوت و...) پژوهش به سرانجام رسیده است.

نتایج این نگاه مردم‌شناسی و پژوهش میدانی نشان می‌دهد که طی دهه اخیر، با تغییر شکل الگوهای چادر از سنتی به جدید، تفکرات جدیدی نسبت به چادر پیدا شده و با تغییر در شکل و اندازه چادرها با برخی از لایه‌های پنهانی در افکار دختران و زنان امروز روبرو می‌شویم، که در برخی از آنان موجب تاسف و در بعضی دیگر موجب بالندگی نسبت به زن بودنشان در جامعه مورد مطالعه شده است.

هر چند که مردم‌شناسی مقید به دادن راهکار یا پیشنهادات ویژه از طرف پژوهشگران خود نیست و قضاوت در این امر و انجام امور بعد از پژوهش را از عمده کارهای برنامه‌ریزان فرهنگی می‌داند، ولی غافل از نتایج یافته‌های این پژوهش نیستیم که نتیجه آراء زنان و دخترانی است که از دور بر این داستان پر قیل و قال چادر یا حجاب اسلامی نظارت دارند.

نکته آخر اینکه در این نوشتار در یک چارچوب نظری از اندیشه‌های بزرگان مکتب کارکردگرایی به ویژه از بانی روش تحقیق میدانی یعنی برانیسلاو مالینوفسکی بهره‌ها برده‌ایم.

با وجود تغییرات و تحولات صورت گرفته در پوشش اسلامی، باز می‌توان گفت که زنان خود عاملان اصلی این تغییر و تحول هستند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ، حجاب، پوشش، چادر، چادر الگودار

مقدمه

نکات ویژه برآمده از تاریخ زندگی انسان در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که پدیده‌ای به نام حجاب یا پوشش تن در نزد زنان همیشه تغییر و دگرگونی‌های خاص داشته، زمانی تشدید و گاهی تخفیف یافته، اما هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. کشور ایران همواره از طلایه‌داران پدیده حجاب و در واقع چادر بوده است. به طوری که با بررسی تاریخ ایران با این حقیقت مواجه هستیم که حجاب همیشه در این کشور وجود داشته، ولی هستی آن فراز و نشیب‌های خاص خود را تحمل کرده است.

«تجلیات پوشش نزد زنان در ایران چنان چشم‌گیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن‌نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب معرفی کرده‌اند» (دورانت، ۱۳۸۵: ۷۸). همه می‌دانیم هر جا بحث حجاب در میان است، ناگهان موضوع چادر نیز مطرح می‌شود، با بررسی ادوار تاریخی به وجود پوشش‌هایی که بی‌شباهت به چادر نیستند و قدمت به سزایی دارند برخورد می‌کنیم.

«چادرهایی که در مجسمه‌ها و نقش‌های اشکانی بوده، پارچه‌هایی مستطیل شکل که به صورت استوانه‌ای در می‌آمده بوده است» (ضیاءپور، ۱۳۲۹: ۲۰۱).

شاید شکل چادرهای فعلی، که به صورت پارچه‌ای بلند از روی سر تا نوک پاها را می‌پوشاند ملهم از همان چادرهای موجود در ادوار پیشینیان باشد. البته در این مورد باید به تحقیق علمی و دقیق و قابل قبولی پرداخت.

«زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می‌کردند، که تا وسط ساق پا می‌رسیده است و نقوشی از بانوان ساسانی در بشقاب‌های نقره‌ای ساخته شده نشان می‌دهد که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده‌اند» (ضیاءپور، ۱۳۲۹، ص ۱۱۴).

حجاب و پوشش مسئله‌ای نبود که با ورود دین اسلام به ایران مطرح شود بلکه، چنین پدیده‌ای از ادوار کهن در این کشور به چشم می‌خورد. چنان که در تاریخچه ورود اسلام به ایران می‌خوانیم:

«پس از فتح ایران توسط عمر، دختران کسری پادشاه ایران حتی پس از اسارت حاضر نشدند روپوش صورت خود را بردارند، بلکه علی‌رغم فریادهای خلیفه وقت عمر، از کنار زدن آن خودداری نمودند» (اسلاملو، نعیمه و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۰).

شکل و جنس چادر در دوران‌هایی تغییر پیدا کرده و در زمانی خاص به رنگ‌هایی غیر از رنگ مشکی و با تزیینات ویژه همراه بوده است. زمانی چادر نه از روی سر بلکه از لبه شان شروع می‌شد و پوشش سر پوشش جداگانه‌ای بود و در زمانی دیگر نیز این پوشش سراسری و به شکل چادرهای سنتی امروز درآمده است، که خود شاهدی است به تغییر شکل و الگو در طرح چادر تا عصر حاضر و ظهور چادرهای الگودار (عربی، قجری، لبنانی،...).

«لباس بیرون زنان در عصر قاجار چادر سفید با روبنده همراه با شلوار گشاد (چاقچور) یا بدون شلوار [بوده است] مع‌هذا تا نیمه‌های قرن مزبور، چادرهای تیره‌تر به رنگ سیاه یا آبی تیره و اغلب با گلدوزی طلایی استفاده می‌شد» (دانشنامه ایرانیکا، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

این مسئله از آن حیث مورد توجه قرار می‌گیرد که در دهه اخیر، تعداد کثیری از زنان و دختران اعم از پیر و جوان با سطوح مذهبی متفاوت به این چادرها روی آورده و بی آنکه بدانند یا بخواهند، انقلابی در نوع پوشش‌ها به وجود آمده است. این تحقیق به بررسی و تحلیل فرهنگ پوشش این خانم‌ها پرداخته و سپس چرایی این تغییر سلیقه را پی‌گیری نموده است و در بندهای مختلف ضمن طرح مسئله و اهمیت روش‌های کاربردی و پرسش‌های تحقیق به پیشینه و وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی منطقه مورد مطالعه و به مبانی نظری کار پرداخته و تحول چادر را در بستر زمان و گونه‌گونی آن را در دوره‌های مختلف مورد کنجکاوی قرار داده و سرانجام اشاراتی لازم به

تقسیمات چادرهای الگودار ایرانی و عربی شده و ملاک‌های انتخاب آن را نزد جوانان دانشجوی امروز دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی مشخص کرده است.

بیان مسئله

در فرهنگ جامعه اسلامی ایران اساسی‌ترین مسئله، مسئله پوشش است. این مسئله شاید به نوعی زبان شخصیت و نوع نگاه فرد به هر پدیده با اهمیتی در زندگی باشد ولی از بین پوشش خانم‌ها پوشش چادر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چادر در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و در طی این مسر پریپیچ و خم و طولانی دچار فراز و نشیب‌های بسیاری شده است. زمانی شکل آن دچار تحول گردیده و در دوره‌ای خاص کاملاً حذف و گاهی نیز به صورتی بسیار مقدس و گرامی پاس داشته شده است. در این نوشتار سعی بر آن بوده تا ضمن شناسایی این نوع پوشش (چادر)، تغییراتی که در طول زمان در آن رخ نموده مورد تفحص و ارزیابی قرار گیرد.

اهمیت این پژوهش وقتی نمایان می‌شود که بتوان با شناسایی این پوشش، جدا از این که پوشش اسلامی ایرانی است، از نقش مهم و اثرگذاری آن در فرهنگ زنان و دختران در یک جامعه محدود (مثال واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی) پرده برداشت و از این طریق بتوان به ژرفای ذهن و اندیشه امروز این جوانان پی برد و اینکه آیا چادر در این میان یک اجبار اجتماعی است؟ یا حفاظی برآمده از دایره فرهنگی بالنده در خلق و خوی سنتی و مذهبی یک جامعه مسلمان؟

برای آگاهی از امور فوق پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح شده است: علت رواج چادر غیرساده در سال‌های اخیر چیست؟ بیشتر چه قشری از خانم‌ها از این الگو برای چادر خود استفاده می‌کنند؟ چه تعداد از این چادرها (الگودار) در میان مردم پذیرفته شده؟ این تغییر سلیقه ریشه در اعتقادات مذهبی افراد دارد یا برآمده از یک مصلحت عمومی است؟ این افراد چادری کدام قشر یا طبقه از اجتماع ایرانیان را تشکیل می‌دهند؟

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش مردم‌شناسی است که عمقی و ژرفا نگر است. در روش ژرفانگر پژوهشگر در جامعه تحقیق شرکت کننده مشاهده‌گر است که مشاهده وی در جامعه کوچک و محدود صورت می‌گیرد تا بتواند بر طبق ضوابط علمی مردم‌شناسی جامعه خود را به طور عمیق و همه‌جانبه مورد بررسی قرار داده و به جمع‌آوری یافته‌های تحقیق بپردازد.

بنابراین چنین روشی مبتنی بر کار میدانی است و مستلزم مشاهده دقیق و توأم با جامعیت و عینیت تحقیق به صورت مشاهده مشارکتی است؛ به گونه‌ای که فرد محقق با حفظ فاصله از جامعه مورد تحقیق بتواند به عنوان عضوی از آن جامعه پذیرفته شود و اعتماد اعضای آن جامعه را جلب کند. در واقع «مردم‌نگاری عمقی مبتنی بر مطالعه دقیق و عمیق یک قبیله است که باید در عین حال کامل و جامع بوده و هیچ داده‌ای را از یاد نبرد» (عسکری خانقاه، ۱۳۷۳: ۸۸).

پیشینه تحقیق

در این نوشتار از کتاب‌های چندی استفاده شده است که می‌توان به عنوان پیشینه تحقیق از آنها نام برد و به شرح مختصری از هر یک از آنها، تا آنجا که در ارتباط با تحقیق حاضر قرار می‌گیرد، پرداخت.

۱. در کتاب «آیین خوش تیبی» نوشته خانم فاطمه کاظمی به پرسش‌های مختلف اشاره شده است. این کتاب انواع پوشش از کلاه تا کفش و چادر را مورد توجه قرار داده و به شرح شخصیت زن‌های چادری با سنین مختلف پرداخته است.

۲. کتاب «دانشنامه ایرانیکا» به بررسی و تاریخچه پوشاک می‌پردازد که از ادوار باستان تا عصر حاضر را دربر می‌گیرد. در این کتاب به چادر هم اشاراتی شده و از لحاظ تاریخچه کمک شایانی به نوشتار حاضر کرده است.

۳. کتاب «تاریخ تحولات لباس و پوشاک» نوشته یحیی ذکاء همانند اثر قبل به بررسی تاریخچه پوشش پرداخته است.
۴. کتاب «زن در آینه جمال و جلال الهی» نوشته جوادی آملی، زن را از جنبه‌های مختلف مورد نقد و بررسی قرار داده است و در بخش‌های مختصری به پوشش یا حجاب اسلامی پرداخته است.
۵. در کتاب «مسئله حجاب» نوشته شهید مطهری، موضوع محوری حجاب است و در بخش‌هایی به تاریخچه پوشش در ادیان مختلف پرداخته شده و در کل کتاب به مسئله حجاب اشاره شده است.
۶. کتاب «حریم ریحانه» کار گروهی خانم اسلاملو و همکاران، نخستین و تنها دایره المعارف پوشش است که قسمت عمده‌ای از منابع مقاله حاضر را در بر می‌گیرد.
۷. کتاب «تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی» شامل چندین مقاله در مورد حجاب در ادیان توحیدی است و در آن به تفصیل به تشریح حجاب در ادوار باستان پرداخته شده است.

وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی

تهران بین کوه‌های البرز و حاشیه شمالی کویر مرکزی ایران در دشتی نسبتاً هموار واقع شده است. پهنه استقرار آن از جنوب و جنوب غربی به دشت‌های شهریار و ورامین منتهی می‌شود و در سمت شمال و شرق با حد طبیعی فضای جغرافیایی شهر تهران در کوه و دشت به وسیله دو رود کرچ در غرب و جاجرود در شرق مشخص می‌شود که در نزدیکی کویر نمک در جنوب شرقی تهران به یکدیگر می‌پیوندند.

طول و عرض جغرافیایی

شهر تهران از نظر جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۱۷ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۳۳ دقیقه طول خاوری و ۳۵ درجه و ۳۶ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۴ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. (<http://tv5.irib.ir/tehran/html/newteh/moghyat.asp>)

شرایط اقلیمی

در نواحی مختلف استان تهران به علت موقعیت ویژه جغرافیایی، آب و هوای متفاوتی شکل گرفته است. سه عامل جغرافیایی در ساخت کلی اقلیم استان تهران نقش موثری دارند:

کویر یا دشت کویر:



مناطق خشک مانند دشت قزوین، کویر قم و مناطق خشک استان سمنان که مجاور استان تهران قرار دارند، از عوامل منفی تاثیر گذار بر هوای استان تهران هستند و موجب گرما و خشکی هوا، همراه با گرد و غبار می‌شوند.

رشته کوه‌های البرز:

این رشته کوه‌ها موجب تعدیل آب و هوا می‌شود.

بادهای مرطوب و باران زای غربی:

این بادها نقش موثری در تعدیل گرمای سوزان بخش کویری دارند، ولی تاثیر آن را خنثی نمی‌کنند.

هوای تهران در مناطق کوهستانی دارای آب و هوای معتدل و در دشت، نیمه بیابانی است. تهران در مرز شرایط جوی بری و اقیانوسی قرار گرفته و تمایل آن به موقعیت بری بیشتر از وضعیت اقیانوسی است.

یکی دیگر از مشخصه‌های قابل ذکر شهر تهران زلزله خیز بودن آن است. این شهر بر روی خط زلزله قرار دارد و احتمال وقوع زلزله در آن زیاد می‌باشد» ([http:// Tebyan.net.ir](http://Tebyan.net.ir)).



نمای سردر دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی مجتمع دانشگاهی ولیعصر(عج)
اعظم بهادری نژاد ، ۱۳۹۱/۶/۲۰

دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی

«دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی در سال ۱۳۷۵ فعالیت آموزشی را براساس ضوابط و آیین‌نامه‌های مدون آموزشی به صورت مستقل آغاز نموده در حال حاضر این دانشکده در ۳ مقطع کارشناسی - کارشناسی ارشد و دکتری در رشته‌های روان‌شناسی - علوم تربیتی - جامعه‌شناسی - علوم ارتباطات - مردم‌شناسی و علوم اجتماعی دانشجوی می‌پذیرد» (www.iauctb.ac.ir).



نمایی از محوطه دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی
اعظم بهادری نژاد، ۹۱/۶/۲۰

چارچوب نظری

اساس پژوهش در این نوشتار بر الگو قرار دادن مکاتب کارکردگرایی و تطور گرایی است.

مکتب کارکردگرایی با تاکید بر تمام خصوصیات فرهنگی برای برآوردن احتیاجات افراد در جامعه به وجود آمده است. یعنی کارکرد یک خصوصیت فرهنگی در قدرت آن برای برطرف کردن برخی از نیازهای اولیه اعضای گروه خلاصه می شود.

«این فرضیه روش شناختی که بعداً به صورت آیین شبه فلسفی درآمد، عبارت است از بررسی هر واقعه اجتماعی و هر نهاد در روابطش با کل هیأت اجتماعی است که خود جزو آن به شمار می‌رود.

کارکردگرایان تاکید بر این دارند که هر واقعه یا نهاد مورد بحث در صورتی که ارتباطات «کارکردی» آن با وقایع یا نهادهای دیگر قابل درک نشده باشد، مفهوم خود را ظاهر نمی‌سازد. به عنوان مثال، فلان مناسک آیینی در صورتی که طریقه ارتباط آن با

مسائل اقتصادی یا سیاسی آشکار نشود، در فهم نخواهد گنجید، به این ترتیب کارکردش در سطوح مختلف معین شده، همچنین موجودیتش بیان می شود» (پانوف و پرن، ۱۳۸۶، (ترجمه): ۱۲۶).

به این دلیل کارکردگرایی با نام مالینفسکی مدافعی سخت و محققی پرکار پیوند خورده. وی در تعریف فونکسیون [کارکرد] می گوید: «عبارت است از برآورده شدن یک نیاز به وسیله یک عمل» (روح الامینی، ۱۳۸۴: ۹۰).

هر جا سخن از بنیانگذاران مردم نگاری است بی وقفه نام مالینفسکی به میان می آید. وی از طلایه داران انسان شناسی اقتصادی و از بنیانگذاران مردم نگاری است. به ویژه اینکه وی در تاریخ تفکر مردم شناسی همانند یک سخن گوی پرشور و بدعت گذار شکل خاصی از کارکردگرایی شناخته شده است. او در اواخر عمر تحقیقات ویژه‌ای را در جزایر تروبریاند نزد سرخ پوستان آمریکا به سرانجام رساند.

«نظریه کارکردگرایی ریشه در آثار مالینوفسکی دارد. به عقیده مالینوفسکی نمی توان به آسانی علتی را برای اختلاف فرهنگی ذکر کرد. نیازهایی که این نظریه مشخص می کند، کمابیش نیازهایی عمومی هستند که باید تمام جوامع برای ادامه بقا به آنها بپردازند» (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۷۸: ۲۶۰-۲۶۱).

علاوه بر مکتب کارکردگرایی در این پژوهش از اندیشه مربوط به مکتب تطورگرایی نیز استفاده کرده ایم. این مکتب در آغاز ریشه در افکار تایلر و مورگان، دو انسان شناس قرن نوزدهم داشت که در واقع پایه گذاران این نظریه بودند. «تایلر معتقد بود که فرهنگ از مرحله ساده به پیچیده تطور و تحول می یابد و تمام جوامع سه مرحله ابتدایی یعنی توحش، بربریت و تمدن را پشت سر گذاشته اند» (همان، ۱۳۷۸: ۲۵۴).

تطور و تکامل گرایی نظریه‌ای است که انسان را حائز استعدادها و نقاط قوت می داند که به میزان رشد جامعه این استعدادها نیز رشد می کنند. بنابراین فرایند تطور و تکامل گرایی که به میزان رشد جوامع صورت گرفته با وسعت کما بیش سریع بخشی از نهادها و اعتقادات مطابقت خواهد داشت.

«تطورگرایی را باید نخستین نظریه‌ای دانست که پس از اعلام موجودیت علم مردم شناسی در آن ظاهر می‌شود و همچون هر نظریه علمی تلاش می‌کند یک روش شناسی مشخص برای خود مطرح سازد. ریشه‌های این نظریه را باید در علوم طبیعی جست که پیشینه قدیمی‌تر از علوم اجتماعی نوظهور داشتند. دو چهره اساسی در این علوم که نقشی تعیین کننده در شکل دادن و تداوم نظریه تطوری داشتند لامارک و داروین هستند» (فکوهی، ۱۳۸۸: ۱۲۲).

با تکیه بر این دو نظریه، می‌توان کارکردهای چادر را برشمرد و رفع نیازهای افراد انسانی را در ارتباط با چادر مشخص کرد. بنابر نظریه تطور گرایی می‌توان تغییر و تحولات این پوشش را در بستر زمان و مکان بررسی کرد و با توجه به تغییرات وارد شده بر این پوشش، شاهد این مسئله بود که ساختار آن همچنان ثابت مانده است.

تحول پوشش چادر در بستر زمان از ادوار باستان تا حال

مؤلفان و پژوهشگران بی‌شماری در طول تاریخ از موجودیت زن و شخصیت آن در بسترزمان سخن گفته و بر پوشاک زن در ادوار مختلف تکیه کرده‌اند، در این دایره ایرانیان نقش خاصی ایفا کرده‌اند.

«کهن‌ترین آثاری که از پوشش زنان ایرانی به دست آمد، نشان می‌دهد که جامه ایشان همواره پرچین، بلند و دارای پوشیدگی کامل و متناسب با عفت و پارسایی بوده است. از دوره ایلامی نقش زنی با لباس بلند و پوشیده و بسیار زیبا با نگاره‌هایی شبیه فلس ماهی بر جامی سیمین قلمزنی شده که ۴۲۰۰ سال قدمت دارد و در موزه ایران باستان تهران نگهداری می‌شود» (محمد پناه، ۱۳۸۶: ۲۹).

در جایی می‌بینیم که حجاب نه تنها مایه وقار و عفت بوده، بلکه باعث تمایز طبقه ممتاز جامعه از سایر طبقات شده است.

«در کیش آریایی زنان محترم، محبوب بوده‌اند، زنان محترم ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز که آنان را از زنان عادی امتیاز دهد، صورت خود را می‌پوشاندند و گیسوان خود را پنهان نگه می‌داشتند» (علیپور باغبان‌نژاد و رضایی، ۱۳۸۸: ۷۹).



برگرفته از کتاب تخت جمشید از نگاهی دیگر

پورعبداله، ۱۳۸۴: ۲۹

در بخش‌هایی از تاریخ پوشش سر را آنچنان که امروز شاهد هستیم، نمی‌بینیم اما پوشیدگی بدن همواره حفظ می‌شده است، چنانکه بر دوش آناهیتا به عنوان مقام بالا و حیات بخش شاهد شنل هستیم.

«باید دانست شنل نیز که به عنوان بالاپوش از عناصر مهم پوشاک زنان ساسانی از نظر اجتماعی محسوب می‌شد، شبیه چادر بود که ما آن را بر دوش آناهیتا به عنوان یک مقام والا و حیات بخش در طاق بستان مشاهده کرده‌ایم» (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۹۲).

از بررسی پوشش چادر از ادوار باستان که بگذریم در دوران قاجار به وجود سه گونه چادر در ایران پی می‌بریم:

«۱. چادر کمبری که به صورت پارچه نیم‌دایره و کوتاهی بود که از جنس پارچه نیم تنه انتخاب می‌شد و اگر آن را به کمر می‌بستند تا پشت سر می‌رسید. همواره چادر از نوع زری، مخمل، ترمه کشمیری و اطلس انتخاب می‌گردید و با دکمه و مادگی یا سنجاق به کمر می‌بستند.

۲. چادر نماز که خود بر دو گونه است:

الف) چادر نماز چیت، کرباس یا مخمل و اطلس و حریر که پارچه نیم دایره (چرخ) یا مربعی که در خانه به سر می‌کردند ولی در کرمان، خراسان، طبس و سیستان چادر بیرونی زن‌ها نیز همین بوده و فقیر و غنی همه یکسان می‌پوشیده‌اند.

ب) چادر کرباس رنگین چهارخانه (شطرنجی) که آن را چادر شب و چادر رختخوابی هم می‌گفتند و به رنگ‌های آبی، قرمز مایل به قهوه‌ای معمول بود.

۳. چادر سیاه بنفش ریشه‌دار که در یزد بافته می‌شد و اطراف آن دارای ریشه‌های بلند به هم تابیده و گره خورده بود که مشبک به نظر می‌رسید و جنس آن از پنبه و ابریشم بسیار پردوام بود» (ذکاء، ۱۳۳۷: ۱۱۲-۱۱۳).



نمایی از خانم‌های چادری در دوران پهلوی

برگرفته از مقاله چادر اثر محقق فرانسوی Anny Tual

بعد از قاجاریه به دوران پهلوی می‌رسیم که حامل تحولی شگرف در پوشش خانم‌ها است. «رضا شاه پهلوی در ۱۷ دی ۱۳۱۴ حجاب را ممنوع و زنان ایرانی را مجبور کرد شبیه زنان اروپایی لباس بپوشند و کسانی که از این قانون پیروی نمی‌کردند، مجرم شناخته می‌شدند» (طلوعی، ۱۳۷۲: ۳۲۱-۳۲۵)



«در آغاز سلطنت محمدرضا شاه پهلوی، اجباری بودن ممنوعیت حجاب لغو شد ولی هنوز زنان اجازه نداشتند درمجامع رسمی با حجاب ظاهر شوند»

(Hamed Algar Religious Forces Twentieth)
(.century Iran, P.547

از انقلاب اسلامی به بعد چادر به اعتبار و ارزش خاص و همیشگی نزدیک شده و گاه یک شکل قدسی به خود می‌گیرد و در بسیاری از مکان‌ها بر حسب شرایط به صورت یک جامه رسمی اسلامی متجلی می‌شود.

از دهه ۱۳۸۰ به بعد با ظهور چادرهایی با آستین و قابلیت‌های بسیار روبرو هستیم که آزادی و راحتی در پوشش از وجوه مهم آنهاست. پرونده‌های حقوق بشری و مطالعات زنان
نمایی از روگرفتن زنان چادری مقید
به حجاب در زمان پهلوی دوم
برگرفته از مقاله چادر، اثر محقق
فرانسوی Anny Tual

تقسیمات کلی چادر الگودار:

در ایران دو دسته چادر الگودار وجود دارد:

۱. چادر الگو دار ایرانی، ۲. چادر الگودار عربی.

چادر الگودار ایرانی به ۴ دسته تقسیم می‌شود که طراحان ایرانی آن را طراحی

کرده‌اند:

چادر الگودار ایرانی: ۱. چادر ملی، ۲. چادر دانشجویی، ۳. چادر قجری، ۴. چادر شالدار

چادرالگودار عربی به سه طرح تقسیم می‌شود که از کشورهای عربی به کشور ما وارد شده است.

چادر اماراتی که باریک و شبیه مانتو است ۲. چادر لبنانی که گشاد و دارای آستین و لبه روی سر است ۳. چادر عربی که در کشورهای عراق و بحرین استفاده می‌شود و گشادترین الگوی چادر است.



چادر لبنانی



چادر عربی

چادرالگودار با الگوی ایرانی به چهار طرح تقسیم می‌شود:

۱. طرح قجری چادری که از قدیم موجود بوده و به شکل سابق چادر بانوان ایرانی است. این چادر در طی زمان دچار تطور و تحول گردیده و به چادرهای ساده چرخی تبدیل شده است.

اما در دهه اخیر با روی آوردن خانم‌ها به چادرهای بالگو، مجدداً چادر قجری به عنوان یک طرح عرضه شده و در کنار چادرهای طرح‌دار دیگر جای گرفته است. استفاده از این چادر به نسبت سایر طرح‌ها کمتر است و به گفته چادرفروشان و طراحان بیشترین فصل استفاده از این چادرها ماه محرم است و در برخی مراسم آیینی از آن استفاده می‌شود. ناگفته نماند که رسانه‌های جمعی هم در ترویج این چادر بی‌تاثیر نبوده‌اند. چند سریال در سال‌های اخیر در ماه محرم پخش شده که مهمترین آنها (بانو و پریدخت) نام دارد. در واقع این سریال موجب ترویج این طرح از چادر در بین بانوان (به ویژه دختران) بوده است.



سهولت پوشیدن چادر قجری و راحتی و آزادی دست‌ها به وضوح در تصاویر

بالا نمایان است

اعظم بهادری نژاد، ۹۱/۴/۱۸، محوطه دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی

۲. چادر با الگوی ملی یا در واقع چادر ملی طرح دیگر این چادرهاست. در سال ۸۳ توسط خانم جنابی که معلم و پژوهشگر بوده این طرح به ثبت رسیده است. به گفته ایشان این چادر همان چادر چرخی (سنتی) بوده که معایش برطرف شده است.



چادر ملی

برگرفته از ژورنال کوثر کار گروه طراحان و چادردوزان، شماره ۱۷، ۱۳۹۰: ۷۵

۳. الگوی سوم چادر دانشجویی است که شبیه ترین چادر الگودار به چادر ساده (چرخی) است، در چادر ساده (چرخی) محلی برای خروج دست‌ها تعبیه شده است. به تازگی چادر دانشجویی دیگری طراحی شده که در محل خروجی دست‌ها آستین نیز دوخته شده است که به چادر دانشجویی آستین دار معروف است.



چادر دانشجویی

(همان: ۲۹)

۴. چادر شال دار، که شبیه ترین چادر به مانتو است و در واقع یک مانتوی گشاد است که در ناحیه گردن یک شال به آن دوخته شده که بجای قسمت بالای چادر روی سر قرار می گیرد، این چادر از کم طرفدارترین چادرهای الگودار است.



چادر شالدار

(همان)

ملاک‌های انتخاب چادر الگودار

اگر در یک نگاه اجمالی به شرح عادات و رفتارهای فرهنگی و مذهبی افراد چادری پردازیم و رابطه آن را با ملاک انتخاب چادر الگودار بیان کنیم ملاحظه می‌شود که عده‌ای از خانم‌ها همواره به دنبال پوشیدگی کامل هستند. به عبارتی در پی کسب مقبولیت اجتماعی و عناوین دیگر نبوده و مرادشان پوشش کامل است. آنها بیشتر از الگوی چادر اصل لبنانی و عربی بهره می‌برند. عده‌ای دیگر خانم‌هایی که در کنار پوشش به دنبال آزادی دست‌ها بوده و اغلب گروه خانم‌های شاغل و دانشجویان را تشکیل می‌دهند. در این میان دسته‌ای نیز به دنبال خوش تیپی بوده و اغلب همان قشری هستند که چادرشان برآمده از یک اجبار اجتماعی است.

با توجه به رفتارهای اجتماعی و واکنش‌های مختلف نسبت به چادر الگودار، ملاک‌های انتخاب این چادر به هفت مورد زیر تقسیم می‌شود:

۱. پوشش کامل‌تر؛
۲. راحتی و آزادی دست‌ها؛
۳. خوش تیپی در بین بانوان چادری؛
۴. خوش تیپی و راحتی؛
۵. دنباله‌روی از مد؛
۶. راحتی و خوش تیپی و دنباله‌روی از مد؛
۷. اجبار اجتماعی.

نتیجه‌گیری

تحولاتی که طی دهه اخیر در مورد پوشش چادر صورت گرفته (تحول در طرح، شکل و نحوه سرکردن چادر) باعث تطوّر وسیعی در طرز فکر خانم‌ها شده است.

زن یا دختری که تا چندی پیش به زور خانواده یا موقعیت اجتماعی چادر به سر می‌کرد، اکنون با انتخاب یکی از چادرهای الگودار راحتی بیشتری به اجزای بدن خود

داده است. از سویی عده‌ای آن را یک اجبار اجتماعی می‌دانند و به علت ویژگی‌های خاص جامعه اسلامی مقید به پیروی از رفتارهای خانواده خود و اجتماع هستند و از پوشش ویژه بهره می‌برند. برخی در نوع چادرها به انتخاب و گزینه خود پرداخته و بعضی از الگوها را بر سایر الگوها عربی یا ایرانی الگودار یا لبنانی و غیره ترجیح می‌دهند. دسته‌ای از بانوان چادری (الگودار) در میانه راه چادر از سرشان برمی‌دارند و در واقع چادر الگودار برای آنها پلی است تا راحت‌تر به میل باطنی و هدف خودشان که حذف چادر است برسند. اینان جزء دسته‌ای هستند که چادرشان کاملاً جنبه جبری دارد حال جبر خانواده باشد یا اجتماع.

دسته دوم بانوان مانتویی هستند که به پیروی از پوشش چادر و حجاب، گزینه انتخابی‌شان چادر الگودار است. این دسته بیشتر اذعان دارند که به علت عدم استفاده از چادر در گذشته، حال که مقید به استفاده از آن هستند، پس بهتر است نوع الگودار آن را که راحت‌تر و بهتر به نظر می‌رسد به عنوان پوشش یا حجاب خود انتخاب کنند. عده‌ای نیز به پیروی از مد و جنبه خوش تیپی آن به این چادرها روی می‌آورند. دختر یا خانمی که می‌خواهد به پوشش چادر روی آورد به علت سهولت در استفاده، بیشتر از طریق این چادرها به هدف‌شان جامعه عمل می‌پوشانند، یعنی به این ترتیب سختی‌های روی سرنگاه داشتن چادرهای ساده قبلی را متحمل نمی‌شوند. به این ترتیب ظهور چادرهای الگودار باعث ایجاد شکافی در طرز فکر خانم‌های مقید به حجاب شده و آنها را به چند گروه که تاکنون وجود نداشته‌اند تقسیم کرده است. از این رو می‌توان چهره واقعی خانمی را که می‌خواهد صد درصد پایبند به پوشش چادر باشد بهتر و روشن‌تر از پیش مشاهده کرد.

منابع

- عسگری خانقاه، اصغر؛ محمدشریف، کمالی. (۱۳۹۰)، انسان‌شناسی عمومی، تهران: انتشارات سمت.
- عسگری خانقاه، اصغر. (۱۳۷۳)، مردم‌شناسی (روش، بینش، تجربه)، تهران: نشر شب تاب، تهران.
- علیپور باغبان‌نژاد، یوسف؛ رضایی، اصغر. (۱۳۸۸)، حجاب آزادی و یا اسارت، تهران.
- ضیاء پور، جلیل. (۱۳۲۰)، پوشاک زنان ایرانی، تهران.
- دورانت، ویل. (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، تهران: انتشارات علمی، و فرهنگی.
- غیبی، مهرآسا. (۱۳۷۸)، هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی، تهران: نشر هیرمند.
- متین، پیمان. (۱۳۸۲)، دانشنامه ایرانیکا، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اسلاملو، نعیمه و دیگران، (۱۳۸۹)، حریم ریحانه، تهران: نشر نگارنور.
- ذکاء یحیی. (۱۳۳۷)، پوشاک زنان ایران در دوره قاجار، تهران.
- محمدپناه، بهنام. (۱۳۸۶)، کهن دیار، تهران: انتشارات سبزان، چاپ دوم.
- الوان کار، سید حسین. (۱۳۹۰)، چرا حجاب، تهران: انتشارات فواد.
- طلوعی، محمود. (۱۳۷۲)، پدر و پسر، تهران: نشر علم.
- پور عبدالله، حبیب‌اله. (۱۳۸۴)، تخت جمشید از نگاهی دیگر، تهران: انتشارات کلهر.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۸۴)، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار.
- پانوف، میشل؛ میشل پرن. (۱۳۸۶)، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه: اصغر عسگری خانقاه، تهران: انتشارات سمت.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۸)، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.

منابع فرانسوی و انگلیسی

- Variations et usages du Voile dans deux villesd' Iran. Par Anny TUAL
- Algar, Hamed, (1991). **Religiouns forces Twentieth century Iran**, the Cambridge History of Iran Cambridge university press, vol 7.

منابع اینترنتی

- [http:// tv5. Irib.ir/Tehran/html/. Newteh/mogheyat.asp](http://tv5.Irib.ir/Tehran/html/.Newteh/mogheyat.asp)
- www.iauctb.ac.ir
- <http://tebyannet.ir>





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی